



۲۰۱۸/۱۲/۱۹



ملک الشعراء محمد نسیم اسیر

## چه بنویسم؟؟!



دیری ست به اصطلاح عامیانه کابل عزیز، سر و کله ام در فیسبوک پیدا نیست و درد دلی با دوستان نکرده ام. راستش اینکه در آشفته بازار وطن با تلون مزاج ها، هر چه بنویسی انتقادی بر آن وارد می گردد، از داکتر عبدالله انتقاد کردم کسی مرا فاشیست و قوم پرست نامید، با آقای غنی درد دلی نوشتم انگشت انتقاد بلند شد و به تصور تاجک بودنم مرا شاعر خاکستری خواندند، در حالیکه تمام اقوام شریف، حتی اقلیت های هندو و سیک ساکن در افغانستان عزیز، برای من چون خواهر و برادر عزیز و محترم هستند. منظومه ای را که هژده سال پیش به همین مناسبت سروده شده است با کم و زیاد کردن یکی دو بیت به حیث تکرار حسن تقدیم تان می کنم:

به این درماندگی از عمر، حیرانم چه بنویسم  
به من گویند بنویسم، نمی دانم چه بنویسم  
چه بنویسم که عمری رفت، از فرط فراموشی  
فرورده بخود این سیردورانم، چه بنویسم  
چو دور زندگانی پر فراز است و نشیب آخر  
اگر در نقطه پراگار می مانم، چه بنویسم  
ز شیرینی و تلخی ها چه بشمارم که میدانم  
شمار این همه یک بار نتوانم، چه بنویسم  
کنون دوران فرمانداری و فرمان روائی هاست  
من بیچاره چون در زیر فرمانم چه بنویسم  
من افغان زاده و پرورده آن دامن پاکم  
ز ناچاری کنون ساکن در المانم، چه بنویسم

به یاد کابل زیبا سرودم شعر محزونی  
گرفت آزرده حالی از گریبانم، چه بنویسم  
که خود آسوده خاطر سیرباغ و بوستان دارم  
ز سودای وطن بیهوده نالانم، چه بنویسم  
به آزادی سخن گفتن «اسیر»، امروز آسان نیست  
ز مشکل ها که می سازد پریشانم چه بنویسم

م. نسیم «اسیر» اول جون ۲۰۰۰م، بن المان



### تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و سروده های دیگری از ملک الشعراء نسیم اسیر، این شاعر معزز و عزیز همه دلها را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!



چه بنویسم!؟؟

[Assir\\_nacim\\_tshi\\_benuissam.pdf](#)